

مسائل دریای مازندران از دیدگاه رسانه‌های گروهی روسیه

در سالهای اخیر مسائل دریای مازندران مورد توجه خاص رسانه‌های گروهی منطقه و جهان بوده است. اهم این مسائل موارد مربوط به نفت، خطوط لوله، محیط‌زیست و رژیم حقوقی دریای مازندران بوده است.

توجه به مسائل این دریا در رسانه‌های کشورهای ساحلی آن وضعیت ویژه‌ای دارد زیرا که عمده مطالب منتشر شده از زاویه منافع ملی آن کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و به عبارت دیگر می‌توان گفت که بیشتر مطالب منتشر شده در رسانه‌های گروهی هر کشور منعکس‌کننده دیدگاه خاص آن کشور درباره مسائل دریای مازندران است.

در این گزارش با توجه به اهمیت ویژه دیدگاه روسیه درباره مسائل دریای مازندران مجموعه‌ای از مطالب منتشر شده در رسانه‌های گروهی این کشور در یک سال گذشته (۱۳۷۴) آورده می‌شود.

شیوه نگارش این گزارش به این شکل است که ابتدا کتاب‌شناسی مقاله؛ گزارش و... آورده می‌شود و پس از آن خلاصه یا گزیده‌ای از مطالب مهم آن درج می‌شود. در اینجا لازم است از تلاشهای ارزنده همکاران سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو که در جمع‌آوری و ترجمه مطالب این گزارش ما را یاری نمودند تقدیر و تشکر شود.

وسولودبولونسکی. نبرد برای نفت خزر، اوباشایا گازتا (۳۱ مه ۱۹۹۵ - ۱۱ خرداد ۱۳۷۴)

در زمان اخیر مبارزه بر سر منابع نفت دریای خزر شدت گرفت. نتیجه این نبرد تا اندازه زیادی روابط کشورهای همسایه و نیز مناسبات آنان با کشورهایایی که از این منطقه دورند را تعیین خواهد کرد.

کردها قربانی اول این جنگ شدند: نیروهای ترکی به شمال عراق لشکرکشی کرده و طی بیش از یک ماه پایگاهها و اردوگاههای کردی را مورد حمله قرار دادند. آنکارا اعتراضات ضعیف بغداد را نادیده گرفت. تنها در اوایل ماه مه محمدگلخان، وزیر دفاع ملی ترکیه، اعلام کرد که

عملیات «فجر» پایان یافت ولی اشاره نکرد که آیا هدف مطروحه که نابود کردن شبه‌نظامیان حزب کارگر کردستان بود، به دست آمده است یا خیر.

تا آن موقع معلوم شده بود که ترکیه با اهداف دیگری به عملیات جنگی با کاربرد تانک و نیروی هوایی پرداخته بود. این کشور می‌خواست نشان بدهد که قادر است آن بخش خاک خود را کنترل کند که خط لوله دو میلیارد دلاری برای انتقال نفت منابع خزر از آنجا خواهد گذشت.

اما آذربایجان به بنادر اقیانوسی دسترسی ندارد و مجبور است خط لوله را در خاک کشورهای همسایه بسازد که این برنامه‌ها از همان ابتدا با مشکلات بزرگ سیاسی روبه‌رو شدند. دورنمای دریافت میلیون‌ها بشکه نفت درجه عالی اوضاع سیاسی منطقه را تغییر داده و موجب رقابت فزاینده بین ایران و ترکیه، روسیه و کشورهای غربی بر سر استخراج و انتقال نفت خزر شد. باکو و آنکارا راه غربی را از طریق اسکله‌های ترکی جیهان در مدیترانه ترجیح می‌دهند. روسیه مسیر نوروسیسک را پیشنهاد می‌کند و ایران راه جنوبی به سمت خلیج فارس را عرضه می‌کند. پذیرش پیشنهاد ایران بخاطر مخالفت ایالات متحده بعید است ولی طرح روسیه بخاطر تحولات در چین و شک و تردید اعضای کنسرسیوم در رابطه با امنیت خط لوله‌ای که باید از چین بگذرد، جذابیت خود را از دست داد.

به‌علاوه ترکیه تهدید می‌کند که حرکت نفتکشها از طریق تنگه بسفر را محدود کند و اگر این کار را بکند، آنکارا برنده مباحثه بر سر منابع نفتی آذربایجان خواهد شد. نفوذ مسکو در منطقه افت خواهد کرد. در حقیقت امر، نقش روسیه در منطقه نفوذ سنتی آن در کار است و ترکیه که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی با جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی روابط برقرار می‌کند، رقیب اصلی روسیه شده است.

گیورکی بوفت. همه می‌خواهند از یک پروژه سود ببرند، کمرسانت دینلی، (۱۳ ژوئیه ۱۹۹۵-۲۸ نبر ۱۳۷۴)

این مقاله نتایج ملاقات خانم چیللر نخست‌وزیر وقت ترکیه از جمهوری آذربایجان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و با اشاره، کنفرانس مطبوعاتی مشترک چیللر و علی‌اف می‌نویسد که ترکیه و جمهوری آذربایجان در خصوص انتقال نفت دریای مازندران از مسیر ترکیه به توافق رسیده‌اند. اما اضافه می‌کند که در حال حاضر این مسیر انتقال به‌راحتی قابل بهره‌برداری نیست. باید یک خط لوله بین باکو - تفریس و جیهان (بندر ترکیه در مدیترانه که قادر باشد نفتکشهای سنگین را بپذیرد) به طول ۱۶۹۵ کیلومتر و با هزینه یک میلیارد دلار کشیده شود که این امر بسادگی میسر نخواهد شد.

البته این مسیر برای ترکیه حائز اهمیت ویژه‌ای است زیرا که در صورت وجود چنین خط لوله‌ای ترکیه به مسیر صدور نفت حوزه تنگیز قزاقستان (خط لوله اکتاو - ماخاچ قلعه - تفلیس) نیز دست خواهد یافت. در این صورت نفت نه تنها دریای مازندران بلکه نفت قزاقستان از طریق ترکیه انتقال خواهد یافت. آنکارا در سال ۵۰۰ میلیون دلار حق ترانزیت خواهد گرفت؛ ۳ میلیارد دلار از هزینه ورود نفت مصرفی صرفه‌جویی خواهد کرد و بر راههای صادراتی نفت مسلط خواهد شد.

گیورگی بوفت. مبادله اصول با خط لوله، کمرسنت دلی (۳۰ اوت ۱۹۹۵ - ۹ شهریور ۱۳۷۴) مقاله نگاهی دارد به موافقتنامه سال ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی که طبق مراسلات ضمیمه آن از دریای خزر به عنوان «دریای شوروی و ایران» و قابل بهره‌برداری مشترک توسط دو کشور یاد شده است. نویسندگان دو دیدگاه موجود در میان مقامات زیربسط روسیه را به این صورت تشریح می‌کند که وزارت امور خارجه مخالف هرگونه تجدیدنظر و تعبیر و تفسیر در مورد این قرارداد می‌باشد؛ در صورتی که مسئولین وزارت سوخت و انرژی روسیه که کسب ۱۰٪ سهام کنسرسیوم نفتی آذربایجان توسط کمپانی لوک‌اویل را باعث شدند، خواستار اصلاح موافقتنامه مذکور می‌باشند.

مقاله ضمن اشاره به اظهارات رسمی مورخ ۸ شهریور ۱۳۷۴ آقای گئورگی کاراسین سخنگوی وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه روسیه از ادامه مذاکرات بین ۵ کشور ساحلی دریای خزر حمایت کرده و حاضر است در صورت لزوم «موافقتنامه بنیادین شوروی - ایران» را در این مورد اصلاح کند ولی از مواضع اصولی خود عدول نخواهد کرد را به عنوان نوعی عقب‌نشینی در دستگاه سیاست خارجی روسیه تلقی نموده است.

نکته مهم دیگری که در مقاله، مورد بحث قرار گرفته عبارت از مسیر خط لوله انتقال نفت می‌باشد که نویسندگان ضمن اینکه ارتباطی میان مسیر خط لوله و رژیم حقوقی دریای خزر قائل شده، معتقد است که با توجه به منافع حاصل از عبور خط لوله از خاک روسیه، بعید نیست این دولت تجدیدنظر کلی در قرارداد سال ۱۹۴۰ را بپذیرد.

ولادیمیر سولودونیکوف، دریای تجزیه‌ناپذیر، صبح روسیه (۷ سپتامبر ۱۹۹۵ - ۱۷ شهریور ۱۳۷۴) جمهوری‌ها بر سر هر چیز باقی‌مانده از اتحاد شوروی از جمله دریای خزر مانند ورثه

طماعی بحث می‌کنند. در خزر منافع سیاسی - اقتصادی کشورهای ساحلی به هم برخورد کرده‌اند. رئیس کمیته امور بین‌الملل شورای فدراسیون موضعگیری روسیه را به شرح زیر بیان می‌کند. وقتی که بلبشو در رابطه با معاملات بین‌المللی آذربایجان در زمینه استخراج و فروش نفت خزر شروع شد، ما فهمیدیم که خزر، منطقه بالقوه مناقشه بین کشورهای ساحلی است. مطالعه اوضاع جاری و درک ویژگی‌های دریای خزر از این مناقشات جلوگیری می‌کند. موازین حقوقی موجود را باید تکمیل کرد.

از نظر تاریخی، مرز دریایی فقط با ایران موجود است. اصولاً تحدید حدود در این دریا غیرممکن است. به همین دلیل کشورهای ساحلی دریای خزر باید نه راجع به مرزها بلکه در مورد شرایط بهره‌برداری از بزرگترین مخزن آبی در جهان صحبت کنند.

کمیته پیشنهاد می‌کند که مجمع مشورتی بین پارلمانی دریای خزر ایجاد شود. با بعضی از پارلمانها صحبت شد. امیدواریم که در ماه سپتامبر در ماخاچ‌قلعه ملاقات اعضای پارلمان کشورهای حوزه دریای خزر برگزار شود. هدف اصلی، تعیین اولویتهای عمومی تأمین امنیت و پایداری توسعه و همکاری مسالمت‌آمیز در منطقه است. امیدواریم که تمایلات سازنده روسیه جامعه عمل پوشد. روسیه که اکنون «نقاط داغ» فراوان دارد باید حداکثر صلح‌دوستی و خویشن‌داری را نشان دهد. دریای خزر نباید دریای مناقشه شود.

اولگا کورشنوا، دو استقامت دیپلماتیک پیرامون دریای خزر، صبح روسیه (۷ سپتامبر ۱۹۹۵، ۱۷ شهریور ۱۳۷۴) در پی انعقاد قرارداد کنسرسیوم بین‌المللی نفت آذربایجان، معروف به «قرارداد قرن»، دو طیف فشار دیپلماتیک پیرامون آن شکل گرفت که نویسنده مقاله معتقد است طیف اول شامل دیدگاه روسی مبتنی بر مشترک بودن دریای خزر و منابع آن و طیف دوم بیانگر موضع آمریکا و تقسیم‌کنندگی دریای خزر به منظور دسترسی و استخراج منابع نفتی می‌باشد. به نظر نویسنده طیف دوم فشارهای دیپلماتیک تاکنون موفقیت بیشتری داشته و لذا روسیه به ایجاد نوعی ائتلاف (در مقابل ائتلاف کنسرسیوم) از سایر کشورهای ساحلی یعنی ترکمنستان، ایران و قزاقستان روی آورده است. در حال حاضر ترکمنستان و ایران مواضع خود را با روسیه تطبیق داده‌اند و قزاقستان در نوعی بیطرفی به سر می‌برد و در پایان مقاله این سؤال مطرح شده که آیا روسیه با چنین ائتلافی قادر به تحت فشار گذاشتن آذربایجان می‌باشد یا خیر؟ و اینکه ائتلاف متقابل یعنی آذربایجان و کنسرسیوم چه واکنشی در قبال آن نشان خواهند داد؟

دمیتری دروژینین. نفت بزرگ دریای خزر چهره‌آروپای قرن ۲۱ را تعیین خواهد کرد، اخبار مسکو بیزنس، (۱۸ اکتبر ۱۹۹۵)

هر دو مسیر انتقال نفت از مسیر روسیه یا ترکیه نقاط ضعف و قوتی دارند که بحث درباره آن می‌تواند بی‌پایان باشد. طرف روسی اولاً باید چچن را آرام کند و ثانیاً روی سیستم انتقال نفت زمینی و دریایی کار کند. اصل برای روسیه کار به اثبات رساندن امتیازات انتقال نفت از طریق خاک خود است.... در مجموع مسئله مسیر خط لوله انتقال نفت خزر مسئله نفوذ در تمام سیاست اروپای قرن ۲۱ است. اگر برخورد آمریکایی برنده شود، نفوذ ایالات متحده در اروپا به مراتب افزایش خواهد یافت. اگر خط روسیه درست باشد، اروپاییان هم می‌توانند متحدان روسیه در تعیین خط لوله شوند. قزاقستان که مدعی نقش کویت خزر است می‌تواند در این خط لوله تأثیر قابل توجهی بگذارد. عدم برآورد هزینه خط لوله زیرآبی و خطر آلودگی لوله زمینی را امن‌تر و مطمئن‌تر می‌سازد. روسیه عواملی دارد که می‌تواند از حمایت نظریات بر خوردار شود از آن جمله برخورد بی طرفانه با سیاست ملی قزاقستان، شرایط مناسب ترانزیت کالا از خاک روسیه و دسترسی بیشتر به برنامه‌های فضایی.

مبارزه اساسی برای مسیرهای انتقال نفت خزر هنوز در پیش است. باید با استفاده از همه امکانات نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای حوزه دریای خزر و از اختلافات بین شرکت‌کنندگان این پروژه که از این منطقه دورند، برای تأمین مناسب‌ترین شرایط برای روسیه استفاده کرد.

ولادیمیر رازووایف. جنگ کوچک نفتی «مبارزه برای دریای خزر در محافل قدرت روسیه»، سیودنیا، (۸ سپتامبر ۱۹۹۵).

در پی امضای موافقتنامه وزیر سوخت و انرژی روسیه در باکو در زمینه اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز در خاک جمهوری آذربایجان، نظرات مختلف و متضادی را در روسیه به وجود آورده که نویسنده عنوان فوق را مطرح و معتقد است: این موافقتنامه به روسیه اجازه داد که وارد کنسرسیوم بزرگ بین‌المللی استفاده از ۳ میدان نفتی خزر با ذخایر بیش از ۴۵۰ میلیون تن شود. این میادین جذاب و خوب نیز مورد مطالعه قرار گرفتند و طرح توسعه فعالیت لوک‌اویل در خاور نزدیک نیز جنبه عملی پیدا می‌کند.

با امضای این موافقتنامه «جنگ اعلام نشده نفتی» در نهادهای اجرایی روسیه شروع شد، زیرا در متن سند «بخش آذربایجانی دریای خزر» قید شد که با دیدگاههای نهاد سیاست خارجی

روسیه دربارهٔ وضع حقوقی خزر مغایر بود. دیپلماتهای روسی شرکت لوک‌اویل را به نقض منافع ملی روسیه و ایجاد اختلال در مذاکرات چندجانبه دربارهٔ وضع حقوقی دریای خزر متهم کردند.

دیپلماتهای روسی سه عامل را سبب به نتیجه نرسیدن وضع حقوقی دریای خزر ذکر کردند: نکتهٔ اول اینکه وزیر انرژی روسیه بخشی از زیر بستر دریای خزر را جزو خاک آذربایجان شناخت که موضعگیری روسیه را در مذاکرات چندجانبه مختل می‌کند. نکتهٔ دوم، نفوذ منفی دیپلماتهای آمریکای در این وضعیت است. نکتهٔ سوم اینکه رهبران جمهوری‌های استقلال‌یافته ساحلی در فکر آتیه نیستند. کسب سریع دلار نفتی برایشان جذابیت بیشتری دارد.

نویسنده در پایان اظهار عقیده می‌کند که مانع اصلی از دستیابی مسکو به اهداف مطلوب در عوامل سیاست داخلی روسیه (مقامات فدرال، هیأت‌های اداری مناطق داخلی ساحلی، کمپانی لوک‌اویل) نهفته است. مسئلهٔ خزر، یکی از اهم مسائل ژئوپلیتیکی در خاک اتحاد شوروی سابق است. وضع کنونی نمی‌تواند برای مدت زیادی حفظ شود ولی تغییرات به نفع چه کسی خواهد بود. تنها راه فرمانروایی روسیه در خزر است. ما هم برای این کار حق داریم و هم امکانات.

گیورگی بوفت در سیاست نتیجه مساوی در اکثر موارد برابر با پیروزی است، کمرسانت دبلی (۱۸ مهر ۱۳۷۴) بازی بسیار بغرنج ژئوپلیتیک تحت عنوان «نفت مازندران» ماههای طولانی در جریان بود. دیروز نیمه اول بازی به پایان رسید. سوت نهایی آن تعیین مسیر حمل نفت آذربایجان به غرب بود. لکن صحبت از نفت به اصطلاح «مقدماتی» بود. مسیر نفت «اساسی» فعلاً تعیین نشده است. در ابتدا ۴ مسیر مورد بررسی قرار گرفته بود. لکن دو مسیر بزودی از بررسی خارج شدند: مسیر ارمنی بخاطر جنگ آن جمهوری با آذربایجان مورد قبول قرار نگرفت. مسیر ایرانی نیز بخاطر جنگ پیوسته این کشور با غرب و در وهلهٔ اول آمریکا که مازندران را حوزه منافع حیاتی خود اعلام کرده است، رد شد.

بقیه مقاله به بررسی و مقایسه دو راه باقی مانده - گرجی و روسی - و امتیازات اقتصادی و ملاحظات سیاسی مرتبط با هر کدام از آنها اختصاص داده شده است.

مهمان گفرلی. باکو تلاش دارد با تهران رابطه برقرار کند، نزاویسیم با گازنا، (۲۶ مهر ۱۳۷۴)
دیدار ناطق علی‌اف مدیر عامل شرکت نفت دولتی آذربایجان از تهران را باید به عنوان تلاش باکو برای بهبود مناسبات با تهران ارزیابی کرد. دیدار مدیرعامل شرکت نفت دولتی

آذربایجان از پایتخت ایران آخر هفته گذشته برگزار شد. بعد از اینکه کنسرسیوم بین‌المللی نفتی که در آن ۵ شرکت نفتی آمریکایی عضویت دارند، زیر فشار ایالات متحده به تهران در مورد شرکت در بهره‌برداری از سه ناحیه نفت‌خیز مازندران پاسخ رد داد مناسبات باکو و تهران روبه وخامت گراییدند.

از ماه مارس سال ۱۹۹۵ به بعد ایران فعالانه شروع به کاستن حجم خریداری فرآورده‌های نفتی از آذربایجان (از ۱۲۰ هزار تن به ۳۰ هزار تن) کرد. علی‌رغم اینکه بین شرکت نفتی دولتی آذربایجان و شرکت نفت ملی ایران قرارداد واگذاری ۱/۵ میلیون تن نفت به ایران در سال ۱۹۹۵ امضا شده بود. این امر ضربه ملموسی به اقتصاد آذربایجان وارد کرد، زیرا صادرات فرآورده‌های نفتی ۷۵٪ درآمد ارزی صادراتی آذربایجان را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل احیای مناسبات اقتصادی سابق برای آذربایجان اهمیت حیاتی دارد.

امروزه بعد از اتخاذ تصمیم کنسرسیوم درباره استفاده از مسیر روسی همراه با مسیر گرجی، مواضع مسکو و باکو در مورد مسئله استخراج نفت مازندران در بخش آذربایجانی دریا به‌طور محسوسی به هم نزدیک شده‌اند. در این شرایط فقط تهران رنجیده‌خاطر باقی مانده است. به همین دلیل در جریان دیدار ناطق‌علی‌اف مسائل مرتبط با مشارکت در بهره‌برداری از دیگر مناطق نفت‌خیز آذربایجان که در «قرارداد قرن» گنجانده نشده‌اند، از جمله منطقه امید بخش «شاه‌دینیز» مورد بررسی قرار گرفتند.

آرمن خان‌بایان. صلح پایدار به مسکو وابستگی دارد، نزاعیسیما یا گازتا، (۲۶ مهر ۱۳۷۴)

جک مارسکا دیپلمات و متخصص سرشناس امور سیاسی آمریکایی و مدیر انستیتوی تحقیقات اطلاعاتی پراگ در ایروان اعلام کرد هرچه قدر استقلال کشورهای قفقاز افزایش یابد آن قدر نفوذ مسکو بر آنها تضعیف خواهد شد. او معتقد است علی‌رغم این امر ارمنستان باید مناسبات بسیار نزدیک و دوستانه با روسیه را حفظ کند ولی از آنها برای مقابله با ترکیه استفاده نکند. دوستی با روسیه باید به برقراری مناسبات حسن همجواری ایروان و آنکارا کمک کند.

ناظران محلی با حیرت برخورد آشتی‌جویانه دیپلمات آمریکایی نسبت به ایران را قید کردند که چنانکه معلوم شد به عقیده دیپلمات آمریکایی باید نقش ملموسی در برقراری صلح در منطقه ایفا کند. آقای مارسکا تأکید کرد: «من همیشه سعی داشتم اعضای گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا در مورد ناگورنی قره‌باغ را متقاعد کنم منافع ایران را در نظر گیرند و پافشاری می‌کردم که ایران در جریان تمام حوادث قرار گیرد». او در تبریئه موضع خود گفت

ایالات متحده به برقراری صلح پایدار در منطقه قفقاز علاقه‌مند است و موضع تهران در این مورد عامل مهمی است.

علی‌رغم تصمیم کنسرسیوم بین‌المللی در مورد صدور نفت مازندران به غرب از طریق گرجستان و روسیه، آقای مارسکا معتقد است بهترین راه‌حل در این مورد عبور خط لوله از ارمنستان است. زیرا نه تنها عبور خط لوله از ارمنستان به تثبیت اوضاع نظامی - سیاسی منطقه کمک می‌کند بلکه می‌توانست از نقطه‌نظر اقتصادی با مساعدت به ترقی روابط همگرا در منطقه مفید واقع شود. مارسکا تأکید کرد او مایل نیست حل بحران قره‌باغ را مستقیماً با مسئله نفتی مرتبط کند. لکن بین این دو امر رابطه معینی وجود دارد. در هر صورت به عقیده دیپلمات آمریکایی برای برقراری صلح با دوام اراده خیر سیاسی طرفین لازم است، بدون آن، تمام برنامه‌های اقتصادی و سیاسی بی‌نتیجه خواهند بود.

آنکساندر کراسولین. بمب نفتی حیدرعلی‌اف، روسیسکا یا گازتا، (۲۷ مهر ۱۳۷۴)

آذربایجان قصد دارد به‌رغم اعتراضات ایالات متحده آمریکا، در زمینه نفتی با ایران همکاری کند. از باکو خبر جنجال‌برانگیزی رسید. هنوز مرکب امضای رؤسای شرکت‌های عضو کنسرسیوم بین‌المللی نفتی زیر تصمیم ارسال نفت به غرب با استفاده از مسیرهای روسی و گرجی خشک‌نشده بود که حیدرعلی‌اف به ایران پیشنهاد کرد در بهره‌برداری مشترک از منطقه نفتی «شاه‌دیز» در دریای مازندران شرکت جوید. مقامات رسمی ایران فعلاً از دادن پاسخ امتناع می‌ورزند.

حساسیت مسئله این است که کمتر از یک سال قبل حیدرعلی‌اف به ایران پیشنهاد کرده بود در بهره‌برداری نفتی از مازندران شرکت جوید و ۵٪ از سهمیه کنسرسیوم را که به آذربایجان تعلق داشت به ایران قول داد. ولی همینکه این خبر به گوش آمریکایی‌ها رسید و واشنگتن از مسئله اظهار نارضایتی شدید کرد، باکو دنده عقب زد. ایران این‌طور هم به عضویت کنسرسیوم در نیامد و ۵٪ قول داده شده به ایران را به ترکیه دادند. در آنکارا هدیه را پذیرفتند و ایران بیشتر از شکل امتناع و نه از خود جواب رد، رنجیده خاطر شد. اینک حیدرعلی‌اف دوباره برگ نخل به سوی تهران دراز کرده است. جریان از چه قرار است؟ آیا او دیگر به دادو بی‌دادهای واشنگتن بی‌اعتنا است؟

چند علت می‌تواند وجود داشته باشد. از یک سو تاکنون جریان حل بحران قره‌باغ در جا می‌زند. امری که به هیچ‌وجه به مزاج رهبری آذربایجان سازگار نیست و هرچند اکنون عملیات

جنگي در منطقه متوقف شده‌اند؛ ولي استپاناکرت تاکنون از کنترل آذربايجان خارج است. در اين بين، کارشناسان معتقدند اگر آمريکا در اين مورد مساعدت مي‌کورد ديزماني قبل قوه‌باغ به ناحيه خودمختار آذربايجان تبديل مي‌شد. يکي از اعضاي هيأت روسي که در مذاکرات صلح قوه‌باغ شرکت جسته بود در محفل غيررسمي گفت آمريکايي‌ها در جريان بازي‌هاي سياسي به آذربايجاني‌ها کنايه زده بودند که مي‌توانند به جمهوري در حل مسئله قوه‌باغ کمک کنند. لکن احتمالاً بعداً زير فشار جمعيت ارمني آمريکا نظر خود را تغيير دادند. علت ديگر مي‌توانست موضع وزارت امورخارجه روسيه باشد. وزارت خارجه جمهوري آذربايجان موقعيت حقيقي درياي مازندران را به رسميت نمي‌شناسد و تاکيد کرده است دريا را نمي‌توان تقسيم کرد زيرا مازندران دريا نيست و حوضه آبي سربسته داخلي مي‌باشد. به همين دليل اعمال موازين حقوق بين‌الملل دريايي نپسبت به آن، که امکان تقسيم دريا به بخشهاي ملي و فلات قاره را مي‌دهد، غيرقابل قبول است. وزارت امورخارجه ايران نيز طرفدار تعيين موقعيت حقيقي جديد مازندران قبل از هرگونه بهره‌برداري از ذخاير معدني آن است.

حيدرعلي اف. حيدرعلي اف معتقد است بايد از طريق اقتصادي جامعه مشترک را تحکيم بخشيد، نزوايسيماباگازنا،

(۲۷ مهر ۱۳۷۴)

در مصاحبه خبرنگار اين روزنامه با حيدرعلي اف رئيس جمهور آذربايجان مسائل مختلف بررسي شده‌اند. اموري که اکنون براي جمهوري اهميت حياتي دارند - صلح در قوه‌باغ، مناسبات آذربايجان و روسيه، اوضاع داخلي آن. تمام اين امور باهم مرتبط هستند. در بخشي از مصاحبه درباره موقعيت درياي مازندران، از ايران نيز ياد شده است.

سؤال: کارکنان نفتي وجود دارند و عمال مالي که در بهره‌برداري از مازندران شرکت جسته‌اند. لکن سياستمداران نيز وجود دارند. در مسکو نقاط نظر متفاوتي درباره درياي مازندران به طور اعم و تقسيم آن به نواحي ملي به طور اخص موجود است. شما چه طور به مسئله تقسيم دريا به بخشهاي کنوني و نه به بخشهاي ديگر (به نحو ديگري) نگاه مي‌کنيد؟

جواب: اگر سياستمداران و نفتچي‌ها همراه با هم کار مي‌کردند بهتر مي‌شد. ولي آنها همه چيز را جدا جدا انجام مي‌دهند. اما مسئله موقعيت درياي مازندران بعد از امضاي موافقتنامه پديدار شد. قبلاً اين مسئله مطرح نمي‌شد. برخي طرفين در مسکو و سپس در ايران شروع به مطرح کردن مسئله کردند. زماني درياي مازندران تماماً به شوروي تعلق داشت هرچند در جنوب آن ايران حضور دارد. ولي ايران کلاً از اين دريا استفاده نمي‌کورد. من از اين امر بخوبي آگاه

هستم. بعد اتحاد شوروی فروپاشید و کشورهای مجاور دریای مازندران پدیدار شدند. در دوران شوروی، جمهوری آذربایجان نفت مازندران را استخراج می‌کرد. بعدها در سواحل ترکمنستان نفت پیدا شد و آن وقت وزارت نفت شوروی دریا را به بخشهای مختلف تقسیم کرد. ما اکنون بخش خود را مطابق با آن تقسیمات برداشته‌ایم و نه بیشتر.

بوریس وینوگرادوف. خاویار روسی و خزر بی‌صاحب که می‌تواند به خلیج فارس قرن بیست و یکم تبدیل شود، ایزوستیا، (۴ آبان ۱۳۷۴)

در مسکو کنفرانس بین‌المللی پیرامون مسائل دریای مازندران در جریان است. نمایندگان تمام دول ساحلی و همچنین شرکتهای نفتی ایالات متحده، ترکیه، بریتانیای کبیر، ایتالیا و نروژ که در بیاتیه جلسه کشورهای در حال تلاش برای رخنه به مازندران نامیده شده‌اند، در کنفرانس شرکت دارند.

دریای مازندران به چه کسی تعلق دارد؟ پاسخ دادن به این سؤال به ظاهر ساده مشکل است، هرچند بسیاری مایل به تصاحب ثروتهای بیکران آن هستند.

به‌غیراز کشورهای همجوار دریای مازندران - روسیه، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ایران، بسیاری از کشورهای دورافتاده نیز به گنجینه‌های مازندران ابراز علاقه می‌کنند. حداث مشاجرات پیرامون راه حمل نفت هنوز استخراج نشده به خودی خود نمایانگر شدت علاقه آنهاست.

مازندران از نقطه نظر ذخایر نفتی و گاز نهفته در اعماق آن می‌تواند در قرن آینده جایگزین خلیج فارس شود. همه افراد مرتبط با دریا تصاویر عظمت و ثروت آینده کشورهای منطقه را ترسیم می‌کنند. ولی آنها از یاد می‌برند که دریا فعلاً بی‌صاحب مانده است. گنجهای آن فعلاً صاحب قانونی ندارند.

البته سیاستمداران و کارفرمایان دیر یا زود در مورد نحوه تقسیم کیک مازندرانی باهم کنار خواهند آمد و نقطه نظر حقوقدانان فقط از این لحاظ مهم است که آنها نهایتاً باید توافق سیاست و سرمایه را به‌طور مستند ثبت کنند. در این مورد، «عملاً طبق معمول در کشور ما سیاست از حقوق» سبقت گرفته است.

اتفاقی نیست که در آخرین ملاقات باکو که در جریان آن مسیر حمل نفت اولیه از روسیه و گرجستان تصویب شد، چرنیشوف معاون وزیر امور خارجه روسیه و حسن‌اف وزیر امور خارجه آذربایجان قرار گذاشتند جوانب حقوقی - بین‌المللی را بررسی نکنند و آنها را به

وقت ديگري موکول کنند. در اين مورد آنها اعلاميه ويژه‌اي امضا کردند.

آنچه «به بعد» موکول شده است سه سال است به کندي بين کشورهاي عضو جامعه مشترک مورد بحث است. موقعيت روسيه حسادت انگيز نيست. مسکو از سال ۱۸۱۳ به بعد مطابق با معاهده گلستان و سپس معاهده ترکمن چاي صاحب تمام دريا بود. فقط روسيه حق داشتن ناوگان در دريا را داشت. بعد از انقلاب ۱۹۱۷، مازندران به درياي شوروي - ايراني تبديل شد. ولي ورود ديگر کشورها به آن همچنان ممنوع بود.

صحت جدي درباره موقعيت درياي مازندران تاکنون صورت نگرفته است. روسيه با فشار بر مسئله محيط‌زيست خواستار «استفاده مشترک» است. درياي مازندران داراي سيستم اکولوژيک منحصر به فردي است و توازن آن در صورت کارکرد هماهنگ نشده مي تواند به راحتی به هم خورد.

لکن استدلالهاي متوجه دفاع از ماهي خاويار هم حساسيت کسي را برنمي انگيزد. قزاقستان خواستار تقسيم دريا مطابق با کنوانسيون حقوق دريايي ۱۹۸۲ است. باريکه ۱۲ ميلي ساحلي کافي است که اين کشور خود را صاحب ثروتهاي نفتي احساس کند. آذربايجان از اين هم فراتر رفته و خواستار تقسيم دريا به بخشهاي ملي است. باکو و آلماني مخالف ايجاد «کميته پنج گانه» هستند که در آن هر کدام از اعضا حق وتو خواهد داشت و استخراج نفت مورد کنترل همه خواهد بود. ترکمنستان و ايران فعلاً به قبول موضع روسيه متمایل هستند چون هنوز نمي دانند زير سواحل آنها چه چيزي نهفته است.

پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي

گنورکي بوفت. *De facto* (ضمني) دبر يازود به *de jure* (صريح) تبديل مي شود، کمرسانت ديلي، (۱۰ آبان ۱۳۷۴) ديدار بالشاکوف معاون نخست وزير روسيه از تهران به امضاي بيانيه مشترک در مورد درياي مازندران و ذخاير طبيعي آن مختوم شد. آلبرت چرنيشوف در تفسير مذاکرات هيأت روسي با ايراني ها به خبرنگار «ايتار تاس» گفت: مواضع در مورد موقعيت حقوقي جديد درياي مازندران بسيار نزديک يا منطبق باهم مي باشند. ولي به نظر مي رسد تا توافق نظر کامل همه کشورهاي ساحلي هنوز راه درازي در پيش است.

از مدرکي که بالشاکوف و ولايتي وزير امور خارجه ايران امضا کردند نتيجه گرفته مي شود که: ايران و روسيه معتقدند تمام اختيارات و حقوق در مورد درياي مازندران و ذخاير آن انحصاراً به کشورهاي ساحلي تعلق دارند، و فقط آنها به طور مشترک مي توانند مقررات عمل در مازندران را تعيين کنند.

فقط پنج کشور ساحلی مازندران در دریا منافع استراتژیک دارند و هیچ کشور ثالثی مختار و محق نیست به آنها دستور دهد چه طور باید ذخایر (مازندران) مورد استفاده قرار گیرند. این بخش از اسناد آشکارا متوجه اعضای غربی کنسرسیوم نفتی بین‌المللی مازندران، و به طور اخص ایالات متحده است، که قبلاً به عدم پیوستن ایران بر کنسرسیوم پافشاری کرده بودند. علاوه بر این طرفین قرار گذاشتند، تا تعیین مقررات بهره‌برداری از ذخایر دریا براساس توافقنامه پنج کشور ساحلی مازندران، اقدامات یک‌جانبه از طرف آنها غیرقابل قبول خواهند بود. این بخش آشکارا علیه آذربایجان نوشته شده است، که با اقدامات خود در چهارچوبه کنسرسیوم نفتی، در عمل در راستای تقسیم مازندران به بخشهای ملی کار کرده است، امری که مسکو همیشه علیه آن اعتراض کرده است - با استناد به قراردادهای هنوز در حال کار شوروی و ایران، در مدارک فوق نوشته شده است: ذخایر معدنی و تمام دیگر ذخایر مازندران ثروت مشترک کشورهای ساحلی هستند. تا سال ۱۹۹۱ فقط دو کشور ساحلی وجود داشتند. اکنون تعداد آنها به پنج رسیده است - آذربایجان، ایران، قزاقستان، ترکمنستان و روسیه. اصولاً موضع ترکمنستان به مبانی منعکس شده در اسناد کنونی روسیه و ایران نزدیک است. اما قزاقستان و آذربایجان در واقع بر تقسیم دریای مازندران تأکید می‌گذارند.

به نظر می‌رسد خود مسکو نیز به امکان تحقق بخشیدن به فرمول‌بندی‌هایی که بالشاکوف درباره آنها در تهران قرار گذاشته است امید چندانی ندارد. این فرمول‌بندی‌ها فقط اهم مضاعف برای فشار وارد کردن بر این یا آن کشور هم‌جوار در سواحل مازندران برای به دست آوردن شرایط با منفعت‌تری در این یا آن پروژه در بخشهای ملی است. تقسیم دریا به بخشهای ملی قبلاً *de facto* صورت گرفته است. حالا مانده است که این تقسیم *de jure* تأیید شود.

المار مرتضی‌اف. روسیه و ایران به توافق رسیدند، سیودنیا (۱۰ آبان ۱۳۷۴).

مذاکرات روسیه و ایران در زمینه بهره‌برداری از ذخایر دریای مازندران با امضای بیانیه مشترک منعکس‌کننده مواضع واحد مسکو و تهران، عصر دوشنبه در تهران خاتمه یافتند. در تفسیر مذاکرات هیأت روسی با ایرانی‌ها به خبرنگار «ایتارتاس»، آلبرت چرنیشوف معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد مبانی روسی موقعیت حقوق مازندران با «حسن تفاهم کامل در عشق‌آباد و تهران مواجه شده است».

مطابق با سندی که بالشاکوف و ولایتی وزیر امور خارجه ایران امضا کردند ایران و روسیه معتقدند تمام اختیارات و حقوق در مورد دریای مازندران و ذخایر آن «انحصاراً به

کشورهای ساحلی تعلق دارند، و فقط آنها به‌طور مشترک می‌توانند مقررات عمل در مازندران را تعیین کنند». هیچ کشور ثالثی محق نیست به آنها دستور دهد چه‌طور و به چه شیوه‌ای باید ذخایر (مازندران) مورد استفاده قرار گیرند. در این بین، تا تعیین مقررات بهره‌برداری از ذخایر دریا بر اساس توافقنامه ۵ کشور ساحلی، اقدامات یک‌جانبه از طرف آنها غیرقابل قبول خواهند بود.

حسن حسناف. مازندران دریاچه آذربایجانی است، کمرسانت دیلی، (۱۱ آبان ۱۳۷۴)

حسن حسناف وزیر امور خارجه آذربایجان اعلام کرد: ذخایر نفتی سرشار دریای مازندران در بخش آذربایجانی آن قرار دارند، به این دلیل مواضع روسیه و ایران در مورد موقعیت دریای مازندران به یکدیگر نزدیک هستند - این کشورها مخالف نیستند که بخشی از سهمیه ما در نفت دریای مازندران را به دست آورند. حسناف باور دارد در مباحثه در مورد موقعیت دریای مازندران آذربایجان پیروز خواهد شد. زیرا دریای مازندران - دریاچه است و در کنوانسیونهای بین‌المللی دربارهٔ موقعیت دریاچه‌ها چیزی گفته نشده است.

الگا آفاناسیوا. آیا روسیه بدون پتربورگ جدید در مازندران به موفقیت خواهد رسید؟، بیزنس مسکوفسکیه نویسی،

(۹ آبان ۱۳۷۴)

۲۵ اکتبر در کنفرانس بین‌المللی «موقعیت دریای مازندران و دورنمای استفاده از ذخایر آن» این سؤال پیش آمد که تحمل روسیه تا چه وقت طاق نخواهد شد.

در این محفل چرنیشوف معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلامیه سنتی دربارهٔ ناممکن بودن استفاده یک‌جانبه از دریا را بیان کرد. او نیز گفته بود تعیین موقعیت دریا باید براساس اصول عدم دخالت در امور کشورها و عدالت صورت گیرد.

موضع روسیه تماماً صریح است. در حال حاضر تمام کشورهای ساحلی مازندران تحت عمل توافقنامه‌های شوروی و ایران قرار دارند که مازندران را دریای مشترک (برای کشورهای ساحلی) اعلام می‌کند. به همین دلیل هرگونه عملیات یک‌جانبه می‌توانند فقط به‌عنوان اشغال اراضی مشترک تلقی شوند. علاوه بر این متوقف شدن اقدامات یک‌جانبه شرط حتمی دوره برگزاری مذاکرات درباره موقعیت دریا است.

این تفکر نوینی نیست و معلوم است که فقط ترکمنستان و ایران موضع مشابه با موضع روسیه دارند. موضع آذربایجان از آغاز تماماً منافی با موضع روسیه بود. قزاقستان مدت زمانی در دودلی بود. ولی اکنون موضع او به باکو نزدیکتر شده است.

نفت که علت اختلاف نظر طرفین است امکان نیل به سازش را بسیار نازل می‌کند. هم‌اکنون برای آذربایجان و قزاقستان بوی نفت دلپذیرتر از طعم خاویار است. ترکمنستان و ایران فعلاً نمی‌دانند در سواحل آنها چه چیزی نهفته است و به همین دلیل موضع نزدیک با روسیه دارند. ولی این امر به معنای دوستی ابدی نیست. وقتی کار به نفت می‌کشد صحبت از اخلاقیات امری ناشایسته به نظر می‌رسد.

روسیه خواستار موقعیت آزاد مازندران برای تمام کشورها است (مطابق با قرارداد شوروی و ایران). یعنی هر کشوری می‌تواند خارج از محوطه ۱۰ مایلی آبهای ساحلی برج بگذارد و نفت استخراج کند. برای اینکه دیگر کشورها موقعیت روسیه را «سکوت علامت رضایت» تلقی نکنند روسیه می‌تواند به «شیوه‌های مسالمت‌آمیز فشار» از جمله برپا کردن برج نفتی پیش چشم آذری‌ها (در آبهای مورد اختلاف نظر) اقدام کند.

اهرم دیگری نیز موجود است. ماهی در دریا فقط بین روسیه و ایران تقسیم می‌شود. روسیه ۸ مؤسسه پرورش ماهی و ایران دو کارخانه مشابه دارند. بخش اساسی ماهی خاویار برای تخم‌گذاری به ولگا و اورال می‌رود. ایرانی‌ها هنگام مهاجرت ماهی به بخش جنوبی آن را صید می‌کنند. یعنی احیای ذخایر ماهی دریا تماماً وابسته به روسیه است. در آستراخان کمیسیون بین‌المللی تعیین سهمیه صید ماهی وجود دارد. علاوه بر این روسیه خودش ۲۱۰ تن خاویار سهمیه آذربایجان را صید و به این کشور تحویل می‌دهد. ولی می‌تواند ندهد. نباید فراموش کرد مسکو مبالغ هنگفتی برای پاکسازی آب ولگا خرج می‌کند و کالاهای موردنیاز آذربایجان و قزاقستان از طریق رودهای روسی حمل می‌شوند و روسیه با چنین امکانات بزرگی برای اعمال نفوذ، به ۱۰٪ «لوک ایل» قناعت می‌کند و آن را پیروزی می‌نامد. تردیدی نیست در آینده نیز استخوانهایی از پروژه‌های مازندران جلوی روسیه پرتاب خواهند کرد. ولی بخاطر عدم هماهنگی عملکرد نهادهای روسی، روسیه مازندران را مثل پشت‌گوش خود نخواهد دید.

کنستانتین زاتولین. منافع روسیه و کنسرسیوم نفتی مازندران، نزاویسیمایا گازتا، (۱۳ آبان ۱۳۷۴)

شهروندان روسیه، بویژه آنها که در جنوب روسیه زندگی می‌کنند نسبت به باقی ماندن یا نماندن کلید قفقاز در دست روسیه به هیچ وجه بی تفاوت نیستند. سؤال پیش آمده در رابطه با آغاز عملی تحقق برنامه‌های کار به اصطلاح کنسرسیوم نفتی مازندران، همین است. امری که مقامات آذربایجان مانند غریق چسبیده به کاه، در تلاش برای حل مسائل اقتصادی و نظامی - سیاسی خود دست به دامن آن شده‌اند. خطر در این است که آرمان کنسرسیوم نفتی مازندران در

تفاوت با دیگر طرح‌های لغزان شرقی، بر طمع‌جویی نزدیک‌بینانه مشارکین آن از جمله (طمع‌جویی) ما، بنیان گذاشته شده است.

چنانکه معلوم است روسیه در کنسرسیوم نفتی مازندران نه به‌طور مستقیم بلکه توسط شرکت نفتی روسی «لوک‌ایل» حضور دارد (شرکت ۱۰٪ از سهام کنسرسیوم را در دست دارد). آیا ما با در دست داشتن تمام برگه‌های برنده و در وهله اول موقعیت ضامن (همراه با ایران) موقعیت حقوقی مازندران باید از تمام اعتراضات خود به هجوم شرکت‌های نفتی غرب به مازندران صرف‌نظر کنیم و به این ۱۰٪ منحوس چشم بندیم؟

من معتقدم چنین تصمیمی برای نفوذ آینده روسیه در قفقاز هلاک‌آور است. دست به یقه شدن‌ها حول و حوش راه صدور نفت به غرب بخوبی نشان داد غرب قصد دارد به کمک راست و دروغ و حتی برخلاف منافع اقتصادی خط لوله نفتی را خارج از روسیه بگذراند. آنجا که رود نفتی در جریان است و نفت استخراج می‌شود به دنبال کارکنان شرکت‌های نفتی نظامیان نیز پدیدار می‌شوند. چنانکه تجربه جنگ خلیج فارس نشان داد این نظامیان اوتیفورم متفاوت از لباس نظامیان روسی یا شوروی دارند.

مقامات آذربایجان که با ایجاد کنسرسیوم نفتی مازندران خود را در امور داخلی به بن‌بست کشانده‌اند، امروز بیشتر سعی دارند مشاجره قره‌باغ را به نفع خود حل کنند و نه اینکه منافع ملت خود را تأمین کنند. رهبران جمهوری سابق شوروی آشکارا می‌گویند قصد دارند از ناتو خواهش کنند منافع مسلمانان آذربایجان را مورد حمایت قرار دهد. آن‌طور که ناتو از منافع مسلمانان بوسنی پشتیبانی کرده است. حتی همین یک کنایه کافی بود که روسیه را وادار به تفکر درباره عواقب ایجاد کنسرسیوم نفتی مازندران کند.

لکن این عواقب در مورد خود روسیه می‌توانند بسیار فراتر روند. در صورتی که ما حق آذربایجان در تشکیل کنسرسیوم نفتی برای استخراج نفت در دریای آزاد را به رسمیت شناسیم، ما به‌طور خودکار امکان تصرف خودسرانه ذخایر طبیعی در آبهای نزدیک به آبهای ساحلی را نیز به رسمیت خواهیم شناخت. یعنی ما زیر فشار استدلال‌هایی که به ما تحمیل می‌کنند قبول خواهیم کرد که آبهای مازندران - حوضه آبی داخلی سر بسته - آبهای بین‌المللی دریایی با فلات قاره خود و دیگر مشتقات این شناسایی هستند. در وهله اول باید ولگا به‌عنوان راه آبی بین‌المللی (مانند دانوب) شناخته شود. به این ترتیب ما با دورنمای تقسیم روسیه توسط آبهای بین‌المللی در محل ساختارهای ملی داخلی دارای جمعیت مسلمان، وارد سومین هزاره خواهیم شد.

دریای مازندران امروز تحت تهدید قرار دارد. آب دریا بالا می‌رود و می‌تواند مناطق وسیعی از جمله اراضی روسی را غرق کند. دانشمندان فعلاً نمی‌توانند بگویند آب دریا در چه سطحی متوقف خواهد شد. در این شرایط ما باید به فکر نسلهای آینده باشیم: آیا آنها مازندران غارت شده تحویل خواهند گرفت یا آن مازندرانی را که ما دریافت کردیم؟

امکان دارد دریای مازندران به عنوان سیستم اکولوژیک عملاً سربسته از ذخایری مانند ماهی خاویار محروم شود. به یاد آوریم که ۹۰٪ ماهی و خاویار آن در آبهای ولگا و آبهای ساحلی مجاور روسیه صید می‌شود. یک تن خاویار هزاربار گرانتر از یک تن نفت است. چه چیزی برای ما مهمتر است؟ من معتقدم جنبشهای محافظ محیط‌زیست ما باید فعالتر شوند و در زمینه ایجاد انجمن کشورهای تولیدکننده خاویار مجاور مازندران کار کنند.

تا وقتی که ما مسئله اساسی - حقوق کشورهای مجاور مازندران - را حل نکنیم، تا وقتی که عبور نفت مازندران به خارج انحصاراً از بندر توپسه روسیه ضمانت نشده است نباید اجازه داد سیاست «اعمال انجام شده» پیاده شود و ما باید از تحقق یافتن کنسرسیوم نفتی مازندران جلوگیری کنیم.

در جریان مذاکره با طرف ایرانی ما توانستیم به مقصد اساسی برسیم - تعیین صریح موضع روسیه. تاکنون هرچو مرج کامل درباره خواسته روسیه موجود بود: سهمیه بی ارزش در کنسرسیوم نفتی مازندران یا امنیت روسیه؟ در بیانیه مشترک روسی - ایرانی امضا شده در نتیجه دیدار هیأت بالشاکوف - سروف - زاتولین - چرنیشوف، دقیقاً قید شده است هر دو طرف در وهله اول مخالف هرگونه دخالت کشورهای ثالث غیرمازندرانی در امور مازندران هستند. تا تعیین رژیم جدید حقوقی مازندران، روسیه و ایران به ادامه انجام تعهدات خود به عنوان کشورهای محافظ قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ که مقررات و ترتیب بهره‌برداری از مازندران را تعیین می‌کنند، ادامه خواهند داد و اصل بسیار مهم دیگری نیز در اساس مدرک فوق در صورت توافق غیرجبری تمام ۵ کشور مجاور مازندران - روسیه، ایران، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان - میسر خواهد بود. من این را قدم بسیار مهمی تلقی می‌کنم و امیدوار هستم دول کنونی و آتی روسیه از محتوای این سند پیروی کنند. در مورد منافع شرکتهای نفتی روسیه باید گفته شود آنها می‌توانند بر توافقه‌های اولیه در زمینه دسترسی به جستجو و بهره‌برداری از ذخایر نفتی واقع در خاک ایران حساب کنند.

آندری اسمیرنوف. شرکتهای نفتی ذخایر دریای مازندران تقسیم نشده را تقسیم می‌کنند، کمرسانت دیلی،

(۱۹ آبان ۱۳۷۴)

امروز در کاخ «گلستان» باکو صحنه دیگری از درام «تقسیم نفتی مازندران» به نمایش گذاشته خواهد شد. قرارداد تشکیل دومین کنسرسیوم بین‌المللی نفتی در مورد بهره‌برداری از فلات قاره مازندران امضا خواهد شد. در پروژه بهره‌برداری از منطقه نفت خیز «قره‌باغ»، شرکت روسی «لوک‌ایل»، شرکت آمریکایی «پنزایل»^۱، شرکت نفتی دولتی آذربایجان و شرکت نفت ایتالیایی agip شرکت خواهند جست. ایجاد کنسرسیوم دوم روی زمینه تشدید مبارزه کشورهای ساحلی مازندران بر سر موقعیت حقوقی دریا صورت می‌گیرد. سهمیه هرکدام از مشارکین خارجی ۳۰٪ خواهد بود. در مقابل سهمیه شرکت نفت آذربایجان پایین خواهد بود و حتی ممکن است به صفر برسد.

مسئله بهره‌برداری از ذخایر نفتی دریا با مسئله موقعیت حقوقی آن ارتباط ناگسستنی دارد. در جریان دیدار اخیر بالشاکوف معاون نخست‌وزیر روسیه از کشورهای مختلف ساحلی مازندران معلوم شد آذربایجان و قزاقستان بر تقسیم دریا تأکید می‌گذارند در حالی که روسیه، ایران و ترکمنستان خواستار اشتراک عمل در دریا هستند.

قراردادهای شوروی و ایران در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تنها مدارک تعیین‌کننده موقعیت حقوقی مازندران می‌باشند. لکن آنها به مسائل کشتیرانی و ماهیگیری ربط دارند و هیچ صحبتی از تقسیم ذخایر دریا در آنها نیست. در نتیجه موقعیت عجیبی پیش می‌آید: قراردادهای بهره‌برداری از دریای مازندران از نقطه نظر حقوقی غیرقانونی هستند. چنانکه خوداکوف مدیر اداره حقوقی وزارت امور خارجه روسیه گفت: مسکو می‌تواند حتی فردا به بهره‌برداری از مناطق نفت‌خیز در ۱۰ مایلی باکو بپردازد زیرا هیچ مانع حقوقی سر راه نیست.

روسیه واقعاً می‌تواند بر این دو کشور تأثیر گذارد. اقتصاد آنها متوجه روسیه است و در صورت اعمال تبعیض اقتصادی از طرف مسکو، به آنها ضربه دردناکی وارد خواهد شد. ولی از قرار معلوم درون محافل حاکم روسیه وحدت نظر درباره لزوم به کار انداختن رژیم فشار بر مخالفین موجود نیست. اعلامیه مشترک روسیه و ایران که هفته گذشته امضا شد در واقع موجودیت هر دو کنسرسیوم دریای مازندران را زیر تردید گذاشته است. مطابق با اسناد امضاشده تمام تصمیمات مربوط به دریا باید با مشارکت همه کشورهای ساحلی اتخاذ شوند. لکن از قرار

معلوم فقط وزارت امورخارجه در مسکو چنین نقطه نظر دارد. وزارتخانه در حال بازنده شدن در مبارزه بر سر مازندران به مجتمع سوخت و انرژی روسیه است، که به دریافت هرچه سریعتر منفعت از ذخایر مازندران علاقه مند است.

آلکساندر توتوشکین. لوک ایل رهبر پروژه بین المللی در آذربایجان گشت، کمرسانت دلی، (۲۳ آبان ۱۳۷۴) روز جمعه گذشته در جمع کثیری از سیاستمداران محلی و نمایندگان مطبوعات، در باکو مراسم امضای موافقتنامه بهره برداری از منطقه نفت خیز «قره باغ» در دریای مازندران برگزار شد. در این قرارداد شرکتهای نفتی روسی، آمریکایی، ایتالیایی و شرکت نفت آذربایجان شرکت دارند. سهمیه شرکت نفت «لوک ایل» روسیه ۳۲/۵٪ است که ممکن است در آینده به ۳۵٪ افزایش داده شود. به این ترتیب توافقنامه امضا شده را می توان به عنوان موفقیت جدی مجتمع نفتی روسیه تلقی کرد. زیرا برای اولین بار شرکت نفتی روسیه در کنسرسیوم بین المللی خارج از کشور نقش برتر دریافت کرده است.

در رابطه با انعقاد توافقنامه به مسئله لاینحل بودن موقعیت دریای مازندران و مخالفت وزارت امورخارجه روسیه با بهره برداری از آن یاد می شود. فقط آذربایجان و قزاقستان خواستار تقسیم دریا هستند. بقیه کشورهای مجاور مازندران - ایران، روسیه و ترکمنستان خواستار استفاده مشترک از این حوضه آبی منحصربه فرد هستند. در این بین، ترکمنستان در واقع بهره برداری از فلات قاره خود را به یکی از شرکتهای آمریکایی واگذار کرده است.

انتقادات وزارت امورخارجه روسیه به اندازه ای که مانع از انجام پروژه های «تجزیه طلبانه» شوند اهمیت ندارند، ولی به اندازه کافی مهم هستند که بتوانند باعث ملاحظه منافع کارفرمایان بزرگ نفتی روسیه گردند. شافرانیک وزیر سوخت و انرژی روسیه در هر صورت این شایعات را تکذیب نکرد و گفت در ملاقات با کوزیروف پیرامون اجرای سیاست «موازی» و «هماهنگ شده» دو وزارتخانه توافق حاصل شده است. احتمال دارد امضای قرارداد باکو نیز اولین نتیجه این «سیاست هماهنگ شده» بود. اگر این استدلال صحت داشته باشند، پس نتیجه دوم سیاست مذکور امضای توافقنامه شرکت «لوک ایل» در پروژه قزاقی - آمریکایی بهره برداری از منطقه نفت خیز تنگیز خواهد بود. توافق مقدماتی اصولی در این باره قبلاً حاصل شده است.

ناتیانا بورچیلینا. در ازای یک پیشنهاد رد شده دو پیشنهاد، کمرسانت دبلو، (۲۴ آبان ۱۳۷۴) اواخر اکتبر در قزاقستان رسماً از خاتمه یافتن عملکرد کنسرسیوم خط لوله مازندران و آغاز تحقق پروژه جدید خط لوله صادراتی نفت قزاقستان، اطلاع داده شد. این تصمیم به نظر می‌رسد به حل هرچه زودتر مسئله صادرات نفت قزاقستان کمک خواهد کرد و علاوه بر این علاقه سرمایه‌داران خارجی به نفت قزاقستان را افزایش خواهد داد.

در مذاکراتی که نظریایف رئیس‌جمهور قزاقستان در جریان سفر اخیر به نیویورک برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل با رؤسای شرکتهای موبیل^۱ و «شورن»^۲ انجام داده بود، توافق نهایی درباره فروش بخشی از سهمیه قزاقستان در شرکت «تنگیز شورایل» به موبیل و بخشی از سهمیه شورون به «لوک‌ایل» روسیه حاصل شد. تصمیم آمریکا در مورد عدم ممانعت از مبادله نفت بین قزاقستان و ایران، که می‌تواند برای مدت زمانی شدت مسئله صدور نفت جمهوری را کاهش دهد، بی‌سابقه بود. این تصمیم شاهد اهمیت موفقیت شرکتهای نفتی آمریکایی در قزاقستان برای دولت ایالات متحده است. می‌توان حدس زد که آمریکا در ازای این امتیاز جدی توانست امکان دریافت بخشی از سهام قزاقستان در «تنگیز شورایل» را برای موبیل به دست آورد.

ماهیت عملیات مبادله نفت ایران و قزاقستان عبارت از این است که در غیبت سواحل دریایی جهانی، قزاقستان نفت خود را توسط دریای مازندران به مناطق شمالی ایران حمل می‌کند. ایران به نوبه خود در خلیج فارس به خریداران نفت قزاقستان مقدار متناسب نفت تحویل خواهد داد. به این ترتیب قزاقستان دسترسی مشروط به سواحل خلیج فارس خواهد داشت و ایران در برابر برای مناطق شمالی خود نفت دریافت خواهد کرد. اصولاً حجم صادرات نفت قزاقستان می‌تواند به سالانه ۵ میلیون تن بالغ شود. لکن حجم معین بعد از تنظیم کامل مسئله قیمت مواد خام دو کشور تعیین خواهد شد.

ولادیمیر آبارینوف. روسیه علیه «تسخیر یک‌جانبه» در مازندران اقدام خواهد کرد، سپردنیا، (۳ آبان ۱۳۷۴) بنابه اطلاعات حاصله از منابع محرمانه، وزارت امور خارجه روسیه به سفیر آذربایجان در مسکو در رابطه با انتشار پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری روز ۲۷ اکتبر، یادداشتی تسلیم کرده است. ماده ۱۲ پیش‌نویس اعلام می‌کند بخش آذربایجانی دریای مازندران «بخش لایتنک

جمهوری آذربایجان است». وزارت امور خارجه روسیه بنوبه خود اعلام می‌کند در مازندران «مرزی به غیر از باریکه ۱۰ مایلی اقتصادی وجود نداشته و ندارد» و این باریکه صرفاً جنبه ماهیگیری داشته است و بس. در یادداشت همچنین به بیانیه آلماتا مورخ سال ۱۹۹۱ اشاره می‌شود. آذربایجان بیانیه مذکور را امضا کرده است. در این بیانیه اعلام شده است امضاکنندگان ضمانت اجرای تعهدات بین‌المللی اتحاد شوروی را به عهده می‌گیرند.

در دنباله یادداشت گفته شده است حتی اگر از موقعیت کنونی دور شویم و موضع آذربایجان درباره لزوم تعیین موقعیت دریا «از نو» را قبول کنیم، باز هم نمی‌توان سیاست «تسخیرات یک‌جانبه» را محق می‌شمرد. روسیه شیوه حل مسئله «به نفع خود» را برای خود غیر قابل قبول می‌شمارد، ولی به این معنا نیست که با تلاش دیگران برای چنین طرز عملی آشتی خواهد کرد. در ادامه، وزارت امور خارجه یادداشت ۱۲ سپتامبر سال گذشته خود را تأیید می‌کند. در یادداشت اعلام شده بود اقدامات یک‌جانبه در دریا غیرقانونی شمرده خواهند شد و مورد شناسایی روسیه قرار نخواهند گرفت. روسیه حق اتخاذ اقدامات لازم در زمان مناسب را برای خود محفوظ اعلام می‌کند.

کارمند عالی‌رتبه وزارت امور خارجه به خبرنگار ما گفت روسیه «موضع خود را ذخیره کرده است» و می‌تواند در زمانی که اوضاع به طور جدی منافع روسیه را تحت الشعاع قرار دهند «اقدامات» مذکور را اعمال کند. در پاسخ به سؤال در مورد اینکه آیا موضع ایران نیز تا این حد اصولی است، کارمند وزارتخانه پاسخ داد «کلاً و اصولاً بله»، و همزمان با این خاطر نشان کرد (موضع) طرف ایرانی «تفاوت‌های جزئی» دارد. مشکل حقوقی مازندران این است که بعد از اضمحلال اتحاد شوروی، تعداد قدرتهای ساحلی مازندران از دو کشور (که قراردادهایی با یکدیگر داشتند) به پنج رسید. روسیه معتقد است مازندران نباید مشمول عمل قانون دریایی بین‌المللی شود بلکه باید مورد استفاده مشترک تمام کشورهای ساحلی قرار گیرد.

همان‌گرفلی. موقعیت مازندران به مثابه اهرم فشار، نزاوریسیمایاگانزتا، (۱۵ آذر ۱۳۷۴)

حوادث چند هفته اخیر حول و حوش قراردادهای نفتی باکو و شرکت‌های غربی بار دیگر ثابت کرد: مسئله موقعیت دریای مازندران که بعد از امضای قرارداد قرن (روز ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ و ۱۰ نوامبر ۱۹۹۵) از طرف وزارت امور خارجه روسیه برپا شده بود، شدت و حدت خود را از دست نداده است. بلافاصله بعد از ملاقات رئیس‌جمهور آذربایجان علی‌اف با کلیتون در نیویورک در جریان اجلاس پنجاهم مجمع عمومی سازمان ملل، فعالیت مسکو پدیدار شد. چند

روز بعد از این حادثه، خداکوف رئیس اداره حقوقی وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد مسکو می‌تواند «همین فردا» به استخراج نفت در ۱۰ کیلومتری سواحل آذربایجان دست بزند. او به این ترتیب فهماند مسکو دریای مازندران را همچنان حوضه آبی سرریسته تلقی می‌کند، که با اقیانوس جهانی مرتبط نیست و لذا موازین حقوق دریایی بین‌الملل نسبت به آن غیر قابل اعمال هستند. در جریان ملاقات اخیر آلکسی بالشاکوف معاون نخست‌وزیر روسیه با محمود واعظی معاون وزیر امور خارجه ایران در مسکو نیز مسئله موقعیت دریای مازندران مورد توجه قرار داشت. در ملاقات مذکور مسائل مربوط با تنظیم موقعیت حقوقی مازندران مورد بررسی قرار گرفته بودند. طرفین قرار گذاشتند در آینده در این راستا به‌طور هماهنگ شده اقدام کنند.

چنانکه معلوم است، با اتکا بر قراردادهای روسیه و ایران مورخ سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، مسکو معتقد است دریای مازندران حوضه آبی سرریسته (دریاچه) است و به همین دلیل ذخایر آن، ثروت مشترک کشورهای مجاور دریای مازندران و مورد بهره‌برداری عمومی هستند. همزمان، دیگر کشورهای مجاور دریای مازندران - قزاقستان و آذربایجان - آن را دریای سرریسته تلقی می‌کنند. موقعیت دریاچه به معنای استفاده مشترک از آب مازندران و ذخایر و ثروت‌های طبیعی آن است، موقعیت دریایی به معنای حق حاکمیت هر یک از کشورهای مجاور مازندران بر «حوزه اقتصادی» و فلات قاره خود و ثروت‌های نهفته در آن است.

بعد از امضای توافقنامه روسیه و ترکمنستان در زمینه سوخت و انرژی در جریان دیدار نیازوف رئیس‌جمهور ترکمنستان از مسکو، روسیه همراه با ایران و ترکمنستان در مورد همکاری در مازندران «اتفاق مثلث» را تشکیل داده است. مسکو و عشق‌آباد پنهان نکردند که قصد دارند از توافقنامه فوق‌الذکر به‌عنوان وسیله مقابله با کنسرسیوم پاکو در زمینه بهره‌برداری از اعماق دریای مازندران استفاده کنند. به همین دلیل نخست‌وزیر (وقت) چرنومیردین بعد از امضای اسناد اعلام کرد اقدام بعدی روسیه و ترکمنستان همکاری در بهره‌برداری مشترک از ذخایر دریای مازندران خواهد بود، که به گفته او کاری دارای دورنمای باشد. در صحبت نیازوف و یلتسین نیز مسئله دریا مطرح شد. نیازوف هم‌فکر رئیس‌جمهور روسیه در مورد ناممکن بودن تقسیم مازندران «چه در زمین و چه در دریا» بود.

شرکتهای نفتی معتقدند این منطقه دارای دورنمای بهتر از منطقه بی‌ثبات خلیج فارس است و می‌تواند در قرن آینده به بزرگترین صادرکننده نفت و گاز به آسیا و اروپا تبدیل شود. فقط در بخش آذربایجانی دریا حجم ذخایر نفتی ۴-۵ میلیارد تن تخمین زده می‌شوند. قراردادهای نفتی جنجال‌برانگیز پاکو در مورد بهره‌برداری از مناطق نفت‌خیز آذری، چراغ و گیونشلی و

همچنین منطقه «قره‌باغ» فقط بخش ناچیزی از ذخایر نفتی بخش آذربایجانی دریا را مشمول خواهند شد. ذخایر آذری، چراغ و گیونشلی ۵۱۱ میلیون تن و ذخایر «قره‌باغ» ۱۰۰ میلیون تن برآورد شده‌اند. یعنی کمتر از ۱۰٪ ذخایر نفتی بخش آذربایجانی مازندران. به همین دلیل اظهارات برخی سیاستمداران درباره منفعت نداشتن قراردادهای انعقاد شده از طرف علی‌اف بی‌پایه هستند.

غیبت موضع واحد در مورد مذکور در رهبری مسکو، موقعیت روسیه را وخیم‌تر می‌کند. در زمانی که وزارت امور خارجه روسیه تقسیم دریای مازندران را به مناطق ملی به رسمیت نمی‌شناسد، وزارت سوخت و انرژی روسیه فعالانه با آذربایجان در مورد بهره‌برداری از مازندران همکاری می‌کند و هر روز قراردادهای جدیدی با باکو در این زمینه امضا می‌کند. نمونه بارز این امر امضای قرارداد جدید در مورد بهره‌برداری از منطقه نفت خیز «قره‌باغ» در بخش آذربایجانی دریا همراه با شرکتهای خارجی می‌باشد. در این پروژه روسیه به نمایندگی شرکت «لوک‌ایل» ۳۲/۵٪ سهام را به دست آورد. واگیت ال‌اکپروف مدیرکل شرکت «لوک‌ایل» گفت مسئله دریای مازندران امری ساختگی است. یوری شافرانیک وزیر سوخت و انرژی روسیه ۲۷ مه سال جاری هنگام ملاقات با علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان اعلام کرد: گفتگو درباره موقعیت دریای مازندران را بی‌پایه می‌شمارد.

لکن نمی‌توان به کمک قراردادهای شوروی و ایران موقعیت دریای مازندران را قانوناً تعیین شده اعلام کرد. زیرا قراردادهای مذکور فقط مقررات ماهیگیری و کشتیرانی در دریا را تعیین می‌کردند و مسائل بهره‌برداری از ذخایر معدنی دریا، از جمله نفت و گاز را مطرح نکرده بودند. به همین دلیل کشورهای مجاور مازندران فقط دو راه برای خروج از بن‌بست پیش‌رو دارند: یا باید مازندران را حیطه عمل حقوق بین‌الملل دریایی اعلام کنند یا مقررات جدید بهره‌برداری از ذخایر دریا را تدوین کنند و آخرین ملاقات نمایندگان وزارت امور خارجه کشورهای مجاور مازندران در آلماتا مسئله را از حالت ابهام خارج نکرد. روسیه در کار این جلسه شرکت نجست. زیرا قبل از آغاز جلسه روسیه پیشنهاد خود را درباره موقعیت حقوقی مازندران به نمایندگان این کشورها عرضه کرده بود، ولی آنها از طرح روسی حمایت نکردند. بجای طرح روسی پیشنهاد قزاقستان مورد بررسی قرار گرفت. در پیش‌نویس قزاقستان تعیین مرز آبهای داخلی، ایجاد حوزه‌های ماهیگیری ملی، تعیین بخشهای زیرزمینی و همچنین فضای آبی حقوق برابر کشورها پیش‌بینی شده است. تمام اعضای جلسه، حتی ایران و ترکمنستان در رد موضع روسیه هم عقیده بودند، زیرا به عقیده آنها «مشترک یعنی مال هیچ‌کسی و در جهان سابقه چنین

عملی موجود نیست». برای تعیین نهایی موقعیت مازندران مذاکرات و مشورتهای جدید لازم هستند.

کلیتتون رئیس جمهور آمریکا در نامه به علی اف رئیس جمهور آذربایجان از تقسیم مازندران به بخشهای ملی حمایت کرد و به آذربایجان در این مورد ضمانت داد. موضع ایالات متحده چنین است: رژیم استفاده مشترک کنونی باعث رم کردن سرمایه گذاران بالقوه می شود و به هرکدام از طرفین (از جمله ایران) امکان اعمال حق و تو را می دهد. ایالات متحده طرفدار تقسیم کامل مازندران بین کشورهای همجوار دریا است.

اواخر اکتبر سال ۱۹۹۵ اطلاع حاصل شد، ایالات متحده قصد دارد در آوریل سال ۱۹۹۶ زیر نظارت آژانس بین المللی انرژی، کنفرانس مسائل مازندران را با شرکت کشورهای غیر ساحلی مازندران برگزار کند. موضع روسیه بر این مبنا پایه گذاری شده است که مازندران مسئله منطقه ای است و کشورهای مجاور آن باید این مسئله را حل کنند. اطلاع حاصل شد وزارت امور خارجه روسیه مخالف بررسی مسئله است (بویژه اینکه بررسی مسئله خارج از حیطه صلاحیت آژانس بین المللی انرژی است).

آریف اوسینوف. تهران فعلاً با شرکت در بهره برداری از منطقه نفت خیز «شاه دیز» موافقت نکرده است، سیودنیا، (۱۶ آذر ۱۳۷۴)

چنانکه خبرگزاری «شرق» به نقل از الهام علی اف معاون مجتمع نفتی دولتی آذربایجان خبر داد، ایران هنوز به پیشنهاد شرکت در بهره برداری از منطقه نفت خیز «شاه دیز» با ذخیره نفتی ۱/۸ میلیارد بشکه نفت جواب مثبت نداده است. این پیشنهاد رسماً از طرف شرکت نفت دولتی به ایران عرضه و از طرف حکومت آذربایجان مورد تأیید قرار گرفته بود. به عقیده ناظران، باکو سعی دارد به این ترتیب امتناع از راه دادن شرکت نفت دولتی ایران به کنسرسیوم نفتی بین الملل را تخفیف دهد. این جواب رد باعث ناخشنودی تهران شده بود. منابع دیپلماتیک در سفارت ایران در باکو از موافقت ایران با شرکت در بهره برداری از منطقه مذکور خبر دادند، ولی مشروط به اینکه قبل از آن موقعیت حقوقی دریای مازندران تعیین شده باشد. باید خاطر نشان کرد در سال ۱۹۹۴ هنگام بررسی مسئله پیوستن ایران به کنسرسیوم بین المللی، موضع او تا این حد سختگیر نبود.

الهام علی اف امکان تحویل «سهامیه ایرانی» به دیگر شرکا را منتفی نمی داند. معلوم است که در ماه ژوئن شرکت نفتی دولتی آذربایجان با ائتلاف «بریتیش پترولیوم / استات ایل و شرکت

نفت ترکی «ت.ار.آ.او» درباره بهره‌برداری از منطقه «شاه‌دیز» توافقنامه منعقد کرده بود. سهمیه شرکای خارجی از ۶۰٪ فراتر نخواهد رفت و آذربایجان ۴۰٪ سهمیه پروژه را برای خود حفظ خواهد کرد.

آزمورسانی اف. جنگ بر سر دریای مازندران، مسکوفسکیه نویسنی، (شماره ۸۴، سال ۱۹۹۵)

مجموعه مقالات هفته‌نامه به بررسی مسئله تحولات کنونی در زمینه بهره‌برداری از مناطق نفت‌خیز مازندران و عواقب سنگین خودسری آذربایجان اختصاص یافته است. «پرونده هفته‌نامه «مسکوفسکیه نویسنی» شامل ۴ مقاله است که عناوین آنها عبارت‌اند از:

۱. منافع ملی روسیه در دریای مازندران (به قلم سوریکوف مشاور انستیتوی تحقیقات دفاعی)؛

۲. یک ساحل دریایی است، ساحل دیگر دریاچه‌ای (سناریوی محتمل درگیری نظامی بر سر نفت مازندران و اشاره به اولین کاربرد آن در آغاز حکومت بلشویکها)؛

۳. اسب من شخم را خراب نمی‌کند، درباره نفت قزاقستان در مازندران و مناسبات روسیه و قزاقستان با شرکت نفت «عمان ایل کمپانی»؛

۴. «تحولات جبهه جنوبی» درباره اهمیت نفت مازندران برای جهان و خطوط جبهه در این منطقه.

ذیلاً بخشهایی از مقاله تحولات جبهه جنوبی آورده می‌شود:

اغراق‌آمیز نخواهد بود، اگر بگوییم در جریان جنگ در دریای مازندران سرنوشت قرن بیست و یکم تعیین خواهد شد و طرحهای جنگ محتمل نه تنها در مسکو (که منطقه را حوزه منافع حیاتی خود اعلام کرده است) بلکه در بروکسل نیز بررسی می‌شوند. برای مثال در یکی از جلسات ناتو پیشنهاد استقرار نیروهای ایالات متحده در مازندران مانند حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس مطرح شده بود.

در پاییز سال جاری، در آستانه تعیین راههای حمل نفت مازندران، معادله قوا حول وحوش نفت مازندران به شرح زیر بود: از یک طرف کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا، ترکیه، آذربایجان و گرجستان و قزاقستان پیرو آنها. از طرف دیگر روسیه، ایران، ارمنستان، یونان و بلغارستان و ترکمنستان پیرو آنها.

در ضمن تعداد کل سرنیزه‌های موجود (شمارش نیروی نظامی در روسیه قبلاً با سرنیزه انجام می‌شد) به کشورهای فوق‌الذکر ختم نمی‌شود. ساختارهای تجزیه‌طلبان خاورمیانه و قفقاز

به این یا آن حد در جنگ نفتی مازندران نقش ایفا می‌کنند. کردهای ترکیه، ارامنه ناگورنی قره‌باغ، آبخازها و اوستی‌ها به‌عنوان «متحدین اصولی» اتفاق ایران و روسیه تلقی می‌شوند. چنین‌ها در اردوگاه غرب جا می‌گیرد. کردها تهدید کرده‌اند خط لوله نفت ترکیه را منفجر کنند ولی از طرف دیگر چچنها قول دادند همان بلا را سرخط لوله روسیه بیاورند.

بوریس کوزمنکو و میخائیل کلاسون، متقاضیان تقسیم مازندران هرچقدر دلت بخواهد، بیزنس مسکوفسکه نویسنی، (شماره ۴۵)

به‌گفته میخائیل دمورین، روسیه و ایران از این اصل پیروی می‌کنند که فقط ۵ کشور ساحلی دریای مازندران در تعیین موقعیت آن رأی تعیین‌کننده دارند.

در آینده نزدیک همچنین مذاکرات مسکو، باکو و هماهنگ‌کننده پروژه - شرکت عملیاتی بین‌المللی آذربایجان، درباره مکانیسم و شرایط حمل نفت مقدماتی از مناطق نفت‌خیز فلات قاره آذربایجان در دریای مازندران توسط خط لوله روسیه، برگزار خواهند شد.

در ماه نوامبر بنیاد هریتج^۱ در واشنگتن سمیناری تحت عنوان دورنمای بهره‌برداری از مناطق نفت‌خیز قفقاز و آسیای میانه برگزار کرد. آریل کوهن کارمند بنیاد و متخصص امور اقتصادی روسیه و کشورهای آسیایی اروپایی، خاطر نشان کرد، ایالات متحده علاقه‌مند است که سه کشور قفقاز - ارمنستان، آذربایجان و گرجستان و ۳ کشور آسیای مرکزی - ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان، استقلال، جنبه غیرمذهبی جامعه و در حد معقول تمایل به غرب را حفظ کنند. همزمان با این ایالات متحده باید «مانع از احیای نفوذ روسها در این منطقه شود».

توجه‌اساسی اعضای جلسه به تلاشهای امروزه در جهت نیل به توافق در زمینه احداث خط لوله برای حمل نفت از مناطق نفت‌خیز دریای مازندران معطوف گشته بود. به‌گفته اعضای سمینار، به‌علت بی‌ثباتی حاکم در منطقه، پایه معیوب قانونی در اکثریت کشورها، فساد مقامات محلی و یک رشته دیگر عوامل، احداث خطوط لوله نفتی جدید و مرمت خط لوله قدیم کند شده است.

یکی از بزرگترین مسائل جاری این است که بخاطر تحریم تجاری که ایالات متحده اعلام کرده است، مسیرهای خط لوله از ایران یا عراق به سوی خلیج فارس اصولاً بررسی نمی‌شوند. مسئله دوم به موضع روسیه نسبت به کشورهای آسیایی که قبلاً در حوزه نفوذ او قرار داشتند ربط دارد. دوی ایل یورگین رئیس انجمن متخصصین کمبریج می‌گوید در جهان چند مسئله حل نشده باقی مانده است و یکی از آنها مناسبات متقابل روسیه با کشورهای جامعه مشترک می‌باشد.

آ. کوهن نیز از این نقطه نظر حمایت کرد. به گفته او دشواری‌ها با مسئله تقسیم ذخایر نفتی موجود در دریای مازندران مرتبط هستند. مقامات روسی به قراردادهای امضا شده با ایران در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استناد می‌کنند. مطابق با توافقنامه‌های مذکور کارکرد کشورهای خارجی (ولی نه شرکت‌های خارجی) در زمینه بهره‌برداری از مازندران قدغن اعلام شده است. نماینده روسیه اخیراً اعلام کرد مازندران باید دریاچه اعلام شود. در این صورت به گفته آ. کوهن کشورهای مجاور مازندران باید مشترکاً از آن بهره‌برداری کنند.

آریف اوسینوف، آذربایجانی‌ها می‌تواند با کشتی به ایران سفر کنند، سیودنیا، (۷ دی ۱۳۷۴)

بندر جدید امیرآباد در بخش ایرانی دریای مازندران با امکانات گذاره کشتی به بخش لاینفک سیستم بین‌المللی حمل و نقل غرب - آسیا تبدیل خواهد شد. هفته‌نامه «پانوراما» به نقل از حسن حسناف وزیر امور خارجه آذربایجان، از تمایل ایران برای پیوستن به سیستم خطوط ارتباطی آذربایجان و استفاده از کشتی‌های در حال رفت و آمد منظم بین دو کشور برای حمل محموله از کشورهای آسیایی به غرب گزارش داد. تاکنون گذاره کشتی‌ها در مازندران به خط باکو - ترکمنستان محدود شده بود. اهمیت پروژه جدید این است که بندر امیرآباد با خط راه‌آهن ایران که به راه‌های ترکیه می‌رسد، مرتبط است. برای آذربایجان وجود این مسیر حمل کالا به نخجوان محاصره شده را تسهیل خواهد کرد. علاوه بر این حمل کالا از ترکیه به بندر باکو آسانتر خواهد شد. بعد از وارد عمل شدن خط کشتیرانی باکو - امیرآباد جریان حمل و نقل کالاها در این راستا و از جمله توسط خط آهن قفقاز شمالی به طور محسوس بالا خواهد رفت.

المیرا احمدلی. مناسبات باکو و تهران ممکن است روبه بهبود روند، نزاویسیمایاگازتا، (۸ دی ۱۳۷۴)

محمود واعظی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس مطبوعاتی برگزار شده در باکو اعلام کرد: «مسائل لاینحل در مناسبات دو کشور تقریباً وجود ندارد». هدف دیدار او نیل به توافق کلی در زمینه توسعه همکاری‌ها بود. آقای واعظی از نتایج ملاقات‌های خود با رئیس‌جمهور علی‌اف، رسول قلی‌اف سخنگوی پارلمان، فواد قلی‌اف نخست‌وزیر آذربایجان، وفا قلی‌زاده مشاور دولتی در امور سیاست خارجه و یاشال علی‌اف، معاون سخنگوی پارلمان و رئیس کمیسیون ایران - آذربایجان ارزیابی عالی به عمل آورد.

طرفین چارچوب همکاری در دورنمای آتی را تعیین کردند، درباره برگزاری اجلاس کمیسیون ایران و آذربایجان در زمینه اقتصادی در ماه ژانویه سال آینده در تهران قرار گذاشتند. در مورد یک رشته پروژه‌های عظیم توافق حاصل شده است: احداث خط لوله گاز از خاک ایران به

نخجوان، احداث راه آهن، باز کردن حسابهای شخصی برای کارفرمایان، افزایش صادرات نیروی برق از ایران به نخجوان. در مورد امضای سه سند رسمی نیز توافق حاصل شده است. این اسناد عبارت‌اند از: توافقنامه پیرامون ضمانت سرمایه‌گذاری در آذربایجان، پیرامون خودداری از مالیات بندی دوگانه و پیرامون تنظیم مالیاتهای گمرکی. طرفین در زمینه حل صلح‌آمیز بحران قره‌باغ و توسعه همکاری‌ها در چارچوب سازمان «اگو» اظهارنظر واحد داشتند.

بخش بزرگ دیدار به مسئله همکاری در بهره‌برداری از دریای مازندران اختصاص یافته بود. در نتیجه کمیته مشترکی تشکیل داده شد که مختار خواهد بود در این زمینه مسائل فی‌مابین را حل کند. محمود واعظی برخی مسائل اقتصادی را تصریح کرد. او به‌طور اخص اشاره کرد نمودارهای همکاری تجاری - اقتصادی با آذربایجان بالاتراز نمودارهای مشابه با ارمنستان هستند (با آذربایجان ۶۰ میلیون دلار، با ارمنستان ۳۰ میلیون دلار).

ولادیمیر توویموف. دلار نفتی خزر چه بویی دارد؟، نزاو سیما با گازتا، (۱ ژانویه ۱۹۹۶ - ۱۲ دی ۱۳۷۴)

در پی قرارداد انتقال نفت دریای خزر از طریق روسیه نظرات منتقدانه حقوقی در مورد فراموش کردن منافع ملی روسیه مطرح شد که نویسنده معتقد است: دولت روسیه صدور نفت آذربایجان از طریق روسیه را پیروزی اعلام کرده است. اما جزئیات معامله متفاوت است. طبق پیش‌نویس قرارداد با آذربایجان، روسیه متعهد است سالی ۵ میلیون تن نفت به ازای دریافت ۱۵ دلار در تن از خاک خود عبور دهد که در سال ۲۰۰۲ خواهد توانست سالی ۷۵ میلیون دلار به‌دست آورد. ضمن آن روسیه باید اجازه انتقال تجهیزات بخصوص استخراج و انتقال نفت را از خاک خود (ولگا) به آذربایجان نیز بدهد.

در گذشته، اتحاد شوروی طرفدار ترانزیت کشتی‌های ایرانی از رود ولگا و انتقال تجهیزات نفتی نبود. تنها راه آبی ترانزیت به دریای خزر فلکه‌ای را به‌دست ما داده است که اگر آن را ببندیم به‌طور مشروع و قانونی کشورهای ساحلی خزر را به قبول شرایط خود وادار خواهیم کرد. روسیه حق دارد در سراسر دریای خزر به اقدامات قهری که حتی سازمان ملل نخواهد توانست ما را محکوم کند متوسل شود. دوماً دولتی روسیه به رئیس‌جمهور توصیه کرد که یک کمپانی نفتی دولتی جهت اکتشاف در سراسر دریای مازندران شروع به کار نماید.

آیا حضور اعضای فامیل رئیس‌جمهور آذربایجان یا فشار ایالات متحده مانع از حل مسئله خزر است؟ روسیه در عوض چند ده میلیون دلار ضمانت می‌دهد که هرگز ترانزیت هر مقدار تجهیزات نفتی را از طریق رود ولگا قطع نخواهد کرد. به این ترتیب ما با دست خود بهترین اهرم فشار را از دست می‌دهیم.

دمبتری دروزنین شرکای غیرمتعهد ناظر خواهند شد. بیزنس مسکوفسکیه نووستی، (شماره‌های ۳-۴، سال ۱۹۹۶) ۱۸-۱۹ ژانویه سال ۱۹۹۶ در مسکو اجلاس کمیته اجرایی کنسرسیوم خط لوله مازندران برگزار گردید.

در اجلاس، طرفین عضو کنسرسیوم، امکان تغییر ساختار کنسرسیوم و الحاق شرکت آمریکایی «شورون»، شرکت ایتالیایی - انگلیسی «بریتیش گاز/ آجیپ» و «لوک‌ایل» را بررسی کردند. علاوه بر این در اجلاس جریان تأمین مالی پروژه از طرف عمان، جریان اجرای بودجه سال ۱۹۹۵ و برنامه عملیاتی در مورد انجام مرحله اول پروژه مطالعه شد.

پیشنهاد عضویت شرکتهای نفتی آمریکایی در کنسرسیوم از سال ۱۹۹۲ مطرح هستند. لکن طرف روسی فقط در صورت واگذاری سهام بدون حق رأی به «شورون» آماده بود با این امر موافقت کند. لکن دشواری‌های پدیدار شده در جریان تأمین مالی پروژه از طرف شریک عمانی به ظاهر باعث نرمش موضع روسیه شده‌اند. پیوستن دو شرکت نفتی آمریکایی به کنسرسیوم می‌تواند باعث تغییر ریشه‌ای اوضاع نه تنها در رابطه با خود کنسرسیوم، بلکه در بهره‌برداری از آن مناطق نفت خیز مازندران گردد، که آلماتا آنها را متعلق به خود می‌شمارد.

علاقه ایران به ترانزیت نفت قزاقستان از خاک خود، با اهداف سیاسی تهران که قصد دارد در مقابله با ترکیه برتری خود را در جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق برقرار کند، و با محاسبات تجاری توجیه می‌شود. اولاً دولت تهران از ترانزیت نفت درآمد خواهد داشت. ثانیاً با مخلوط کردن نفت ایرانی با نفت دریافتی از قزاقستان می‌تواند جغرافیای صادرات نفتی خود را توسعه دهد و شرایط تعداد بیشتری پالایشگاهها در مورد تقاضای مخلوط دارای کیفیات معین را برآورده کرد.

هرچند حیرت‌آور است، لکن روسیه در صورت توافق با ورود شرکتهای غربی به کنسرسیوم خط لوله مازندران پیروز خواهد شد، زیرا نفت قزاقستان به سیستم حمل و نقل روسیه متصل خواهد ماند. این امر اهرم فشار بر بزرگترین شریک آسیای مرکزی او در شاخه مهمی مانند سوخت و نیرو را به دست مسکو خواهد داد.

شاخصه اوضاع حول و حوش کنسرسیوم خط لوله مازندران ابهام بالا است. ریاست شاخه نفتی روسیه از این امر بسیار نگران است و راههای مختلف جریان امور را در نظر گرفتن امکان فروپاشی کنسرسیوم را محاسبه می‌کند. علت نگرانی روسیه به گزارش «انترفاکس» این است که قزاقستان تاکنون ضمانت دولتی حمل سالانه ۴/۵ میلیون تن نفت را نداده است و از واگذاری خطوط لوله در اختیار کنسرسیوم خودداری کرده است.

در این مورد قزاقستان به عدم ارائه نقشه تأمین مالی پروژه از طرف سومین شریک

کنسرسیوم - «عمان ایل کمپانی» - (نماینده سلطنت عمان در کنسرسیوم) اشاره می‌کند. نمایندگی شرکت نفت مذکور تاکنون اوضاع مربوط با تأمین مالی پروژه را روشن نکرده است و خواستار دریافت ضمانتهای دولت روسیه - به عقیده دولت روسیه بیجا - شده است.

علاوه بر این قزاقستان طی چندماه گذشته یک رشته اقدامات متوجه فروپاشی کنسرسیوم و ایجاد کنسرسیوم آلترناتیو با شرکتهای آمریکایی و غربی به نام «تنگیز - دریای سیاه» انجام داده است (ولی این خط لوله هم از خاک روسیه خواهد گذشت). آلمانا معتقد است طرح آلترناتیو کنسرسیوم به‌طور جامع‌تری منافع روسیه و قزاقستان و بهره‌برداران، آینده خط لوله را دربر خواهد گرفت.

ولادیمیر شمیانتکوف، دریای خزر: تقسیم شود یا نشود؟، نزاویسیمایا گازتا، (۲۱ فوریه ۱۹۹۶ - ۳ بهمن ۱۳۷۴) مذاکرات دوباره رژیم (وضعیت) حقوقی منابع دریای خزر (هنوز) ادامه دارد. در نهایت، آیا زیر بستر دریا تقسیم شود یا نشود؟ نویسنده ضمن طرح دو نظر راه‌حلهایی را به شرح زیر اعلام می‌دارد: نظریه روسی عدم تقسیم و اداره مشترک، نظریه آذربایجانی تقسیم به مناطق ملی. در صورت تقسیم دریا، کشورهای ساحلی به علت رقابت با همدیگر خسارات زیادی را متحمل خواهند شد. تجربه اروپا و اتحادیه زغال سنگ و فولاد راهنمای خوبی است. اداره مشترک امتیازات زیادی نصیب کشورهای ساحلی خواهد کرد. هزینه‌های مضاعف حذف، موضع محکم‌تر در برخورد با شرکای خارجی، جلب متخصصین و ایجاد سیستم اداری مناسب را باعث می‌شود. این بهترین شانس کشورهای ساحلی خزر است که بدون صرف‌نظر کردن از بخشی از حاکمیت خود به‌طریقی متحدانه و عاقلانه براساس اصل همگرایی عمل کنند. این بهترین راه به سوی ثبات نظامی - سیاسی و به‌روزرزی اقتصادی منطقه است. تأسیس «کمپانی دریای خزر» و استفاده از منابع طبیعی دریا از طریق کمپانی مشترک، خیلی مؤثرتر از استخراج مستقلانه خواهد بود. لازم است این کمپانی از لحاظ حقوقی و مالی مستقل، ولی در عین حال تحت نظارت سیاسی دولتهای ساحلی قرارگیرد. جهت مکانیزم اجرا، تصویب اسناد بنیادی لازم است. دادگاه ویژه دارای حق تعبیر قوانین و نظارت بر اجرای آن به‌وجود آید. جهت نظارت دموکراتیک صلاح است که بر فعالیت همه نهادهای همگرایی، پارلمانهای دولتهای مؤسس، مجمعی را تشکیل دهند.

الگا آفاناسیوا، اولین مسیر قرارداد گلستان مشروع گردید، بیزنس مسکوفسکیه نووستی، (شماره‌های ۳-۴، سال ۱۹۹۶) در مقاله هفته نامه به امضای توافقنامه روسیه و آذربایجان درباره ترانزیت «نفت اولیه»

استخراج شده در بخش آذربایجانی مازندران از خاک روسیه اشاره شده است. نخست وزیران دو کشور از مرتبط کردن امضای توافقنامه با تعیین موقعیت مازندران پرهیز کردند. چرنومیردین گفت این مسئله مجزایی است که به حل فوری نیاز دارد. زیرا مسائلی وجود دارند که فقط به طور مشترک می‌توانند بررسی شوند (اکولوژی، صید ماهی، کشتیرانی و غیره). برای مثال اکنون سطح دریا در حال بالا رفتن است، امری که می‌تواند برای تمام کشورهای ساحلی عواقب ناگوار داشته باشد. در رابطه با اختلاف نظر مسکو و باکو در مورد طرز تعیین موقعیت دریا به نزدیکی مواضع روسیه، ایران و ترکمنستان از یک طرف و قزاقستان و آذربایجان از طرف دیگر اشاره شده است. وزیر امور خارجه آذربایجان اعلام کرد کشورهای مجاور دریا باید در مورد آن موضع واحد اتخاذ کنند و لذا برای نیل به توافق، سازشکاری آنها با یکدیگر الزامی خواهد بود. لکن تأکید کرد سخنان او نباید به معنای آمادگی آذربایجان به دست کشیدن از چیزی تلقی شوند.

جری آنامورادوف، گریگوری کالدوین. دیالوگ متوقف نمی‌شود، نزاویسیمایا گازتا، (۹۶/۱۱/۱۱)

ملاقات اخیر رؤسای جمهور هاشمی رفسنجانی و صفر مراد نیازوف دهمین ملاقات طی سه سال گذشته بود. هدف دیدار ترکمن‌باشی از ایران روزهای ۲۲-۲۳ ژانویه تحلیل جریان انجام توافقنامه‌ها و قراردادهای قبلاً امضا شده بود.

رؤسای جمهور نیازوف و رفسنجانی دوباره نگرانی خود از اوضاع مرتبط با حفظ ذخایر طبیعی دریای مازندران، اوضاع محیط‌زیست آن را خاطر نشان کردند، تطابق کامل نقطه نظر دو کشور در مورد غیرقابل قبول بودن بهره‌برداری یک طرفه از دریا، بدون در نظر گرفتن منافع تمام کشورهای ساحلی، را مورد تأیید قرار دادند. به عقیده آنها برای حل هرچه زودتر مسئله موقعیت حقوقی دریای مازندران، باید اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای مجاور مازندران برگزار شود. تمامی اعضای کابینه دولت که در این سفر با نیازوف همراهی می‌کردند، در مذاکرات شاخه‌ای اقتصادی شرکت جستند. توافقنامه‌های خودداری از مالیات بندی دوگانه مؤسسات، تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری‌ها امضا شدند. امکان شرکت ایران در احداث راه شوسه چهل کیلومتری عشق‌آباد - گیوک‌تپه، مدرنیزه‌سازی سیستم آب‌رسانی شهر مرو - دومین شهر بزرگ ترکمنستان، کشیدن خطوط ارتباط اپتیکی مطرح شدند.

گئورگی بوف، استانبلاو تاراسوف. در سیاست بزرگ راه‌برشی وجود ندارد، کمرسانت‌دیلی، (۱۶ اسفند ۱۳۷۴) در جریان سفر دوره‌ای چندروزه در کشورهای جامعه مشترک، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران از کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان، گرجستان و آذربایجان دیدار کرد، و

سپس به اوکراین و روسیه عزیمت کرد.

مسئله اساسی مذاکرات آقای ولایتی با رهبران آسیای مرکزی همگرایی این کشورها با ممالک جنوبی بود. در ابتدا از همگرایی زیربنای ارتباطاتی سخن می‌رود و سران کشورها جهت شرکت در مراسم افتتاح خط آهن مشهد - سرخس - تجن دعوت به عمل می‌آید. این خط آهن کوتاهترین راه رسیدن به خلیج فارس را به جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌دهد و امکان خواهد داد ۲۵-۳۰٪ مهلت رساندن کالاها از سواحل چین در اقیانوس آرام تا استامبول را (در مقایسه با راه دریایی از خلیج فارس و کانال سوئز) کاهش دهد. خطوط راه آهن چین، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه در یک شبکه واحد قرار خواهند گرفت. در تأکید بر اهمیت بزرگ امر، طرفین در جریان مذاکرات مرتباً از راه ابریشم یاد کردند.

در رابطه با دیدار آقای ولایتی از ترکمنستان توافقنامه مهم دیگری نیز آماده امضا شده بود: شرکت دولتی «ترکمن تله کوم» با شرکت مخابرات راه دور ایران قرارداد احداث بخشی از خط مخابرات اپتیکی سراسری اروپا و آسیا در جمهوری را منعقد کرد. این خط مخابراتی چین و آلمان را از طریق کشورهای آسیایی به هم پیوند خواهد داد.

مسئله تفکیک روابط ژئوپلیتیک در فضای بعداز شوروی در کیف هم مورد بحث بود. برای اوکراین «عامل ایرانی» به معنای امکان توسعه دسترسی به منابع سوختی ایران و نتیجتاً کاهش وابستگی از مسکو است.

ایرینا کوزلینسکایا، کنفرانس دریای مازندران در آوریل برگزار خواهد شد، سیودنیا، (۱۱ فروردین ۱۳۷۵) در آوریل سال ۱۹۹۶ ملاقات وزرای امور خارجه روسیه، ایران، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان در عشق‌آباد برگزار خواهد شد. بوریس شیخ‌موادوف وزیر امور خارجه ترکمنستان بعداز مذاکره با آلکسی بالشاکوف معاون نخست‌وزیر روسیه از این امر اطلاع داد. ایران نیز آمادگی خود را خبر داده است. روسیه، ایران، قزاقستان و ترکمنستان پیرو اصل استفاده مشترک از دریا با در نظر گرفتن توازن زیست‌محیطی آن هستند. آذربایجان که مازندران را دریا تلقی می‌کند قصد دارد به‌طور جداگانه از ذخایر آن بهره‌برداری کند.

وادیم مارکوشین. ایران کوشش می‌کند از انزوای بین‌المللی خارج شود، کراسنابازوزدا، (۱۷ فروردین ۱۳۷۵) آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران دوباره خط‌مشی کشور خود در جهت گسترش همه‌جانبه و بلندمدت همکاری با کشورهای جامعه مشترک را مورد تأیید قرار داد. ایشان هنگام ملاقات با قاسم توکایف وزیر امور خارجه قزاقستان که در حال

دیدار رسمی از تهران است، این سخنان را بیان کردند. توکایف علاوه بر دیگر مأموریتها، قصد دارد در جریان سفر، مقدمات دیدار آتی رئیس‌جمهور قزاقستان نورسلطان نظربایف از این کشور را فراهم کند. یادآور شویم رئیس‌جمهور قزاقستان همراه با دیگر سران کشورهای منطقه، از جمله بوریس یلتسین به شرکت در مراسم افتتاح خط آهن تاجن - سرخس - مشهد دعوت شده است. این راه کوتاهترین راه رسیدن به خلیج فارس برای کشورهای آسیای مرکزی خواهد بود. با احداث خط دوم موازی این راه گسترده‌تر خواهد شد. پروژه‌های بااهمیت دیگر منطقه‌ای، از جمله احداث بنادر در دریای مازندران و احداث جاده‌های «شمال - جنوب» از خاک ایران مورد بررسی هستند. در صورت تحقق بخشیدن موفقیت‌آمیز به برنامه‌های پیش‌بینی شده، ایران با بندهای محکم‌تر اقتصادی به همسایگان شمالی خود پیوند خواهد خورد، امری که بدون تردید موقعیت سیاسی او را نیز مستحکم‌تر خواهد کرد.

گزارش. «لوک‌ایل» یادداشت تفاهم دیگری را امضا کرد، نزاوبسیمایاگازتا، (۱۱ فروردین ۱۳۷۵) اوایل ماه آوریل شرکت نفتی دولتی آذربایجان و شرکت نفت «لوک‌ایل» روسیه یادداشت تفاهم دوم را امضا کردند، مطابق با آن آذربایجان ۱۰٪ از سهام پروژه «شاه‌دنیز» را (از سهمیه ۴۰٪ خود) به «لوک‌ایل» واگذار کرد. علل دادن این امتیاز فعلاً معلوم نیست. یادآور شویم اولین یادداشت تفاهم در ماه فوریه سال جاری امضا شده بود. در آن یادداشت پیوستن «لوک‌ایل» به مذاکرات مربوط به بهره‌برداری از منطقه نفت‌خیز «شاه‌دنیز» در نظر گرفته شده بود. انتظار می‌رود ۲۷ آوریل شرکت نفت دولتی آذربایجان و شرکت نفت «لوک‌ایل» قرارداد تقسیم سهام را امضا کنند.

خاطر نشان می‌کنیم شرکت روسی به دریافت سهمیه بیشتری امید داشت، در ماه فوریه راویل ماگانوف معاون رئیس «لوک‌ایل» به خیرنگار ماگفته بود شرکت او به روی دریافت ۲۰ تا ۲۵٪ سهام پروژه «شاه‌دنیز» حساب می‌کند.

هرچند برخی مقامات آذربایجانی مرتباً از واکنش مثبت ایران به پیشنهاد شرکت در بهره‌برداری از «شاه‌دنیز» از اطلاع داده بودند، ولی تهران تاکنون سکوت پیشه کرده است. در صورت عدم شرکت ایران در پروژه، «لوک‌ایل» امید دارد سهمیه خود در طرح را از این هم افزایش دهد. بنابه تخمین کارشناسان ذخایر «شاه‌دنیز» برابر با ۲۰۰ میلیون تن نفت و ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است.

شرکتهای فرانسوی و بریتانیایی به طرح توجه کرده‌اند. ژاپن نیز قصد دارد در پروژه‌های نفتی مازندران شرکت وسیعی داشته باشد.